



Vol. 9
Summer 2024

Research Paper

Received:
16 June 2024
Revised:
24 June 2024
Accepted:
17 August 2024
Published:
21 September 2024
P.P: 113-132

ISSN: 2783-1914
E-ISSN: 2783-1450



State Studies of Contemporary Iran

Analyzing the political jurisprudence of Mojadis in Shatabi's intellectual system

Hossein Aghelinegad^{*1} | Sajjad Chit Froush^{2*}

Abstract

The jurisprudence of the objectives, which is opposed to the Akhbari jurists and Sharia-oriented thinkers, is a school of jurisprudence that tries to explain the realization of the main objectives of the Sharia. This approach considers the use of modern thinking as one of the main methods of jurisprudence. Proponents of this school, who are mainly active among Sunnis, consider jurisprudence as merely a tool and consider the goals of jurisprudence (the general principles of Islam) more important. The main question of the current research is what are Shatabi's views on political issues as one of the objective thinkers? The research has been done by analytical and descriptive method and based on library study. The findings of the research show that according to Shatabi, the goal of Sharia is to fulfill the great interests of mankind. With this approach, Islam can preserve the Western democracy system and make this human experience more fruitful by transforming the Islamic principle of "council" as a moral instruction and general principles into a practical system for governance.

Keywords: Shatabi, political jurisprudence, expediency, purposes of Sharia, government.

1. Corresponding author: PhD student of Iranian issues, Baft Azad University, Kerman, Iran.
h.aghelinegad@yahoo.com.
2. Assistant Professor, Department of History of Islamic Revolution and Sacred Defense, Imam Hossein University (AS), Tehran, Iran

Cite this Paper: Aghelinegad, H & chit Froush, S (2024). Analyzing the political jurisprudence of Mojadis in Shatabi's intellectual system. *State Studies of Contemporary Iran*, 2(9), 113–132.

Publisher: Imam Hussein University

Authors



This article is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) (CC BY 4.0).



واکاوی فقه سیاسی مقاصد در منظومه فکری شاطبی

حسین عاقلی نژاد^۱ | سجاد چیت فروش^۲ ID

چکیده

فقه مقاصد که در مقابل فقه گرایان اخباری و متفکران شریعت محور قرار می‌گیرد، مکتبی فقهی است که سعی می‌کند تحقق مقاصد اصلی شریعت را تبیین نماید. این رویکرد، استفاده از تفکرات مدرن را یکی از شیوه‌های اصلی فقاقت خود می‌داند. طرف‌داران این مکتب که عمدتاً در میان اهل سنت فعالیت دارند، فقه را صرفاً یک ابزار دانسته و مقاصد فقه (اصول کلی اسلام) را مهم‌تر می‌دانند. پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که نظریات شاطبی به‌عنوان یکی از متفکران مقاصدگرا در باب مسائل سیاسی چیست؟ پژوهش به روش تحلیلی و توصیفی و بر مبنای مطالعه کتابخانه‌ای انجام پذیرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که از نظر شاطبی، هدف شریعت برآوردن منافع بزرگ بشر است. با این رویکرد، اسلام می‌تواند نظام دموکراسی غربی را حفظ کرده و با تبدیل اصل اسلامی «شورا» به‌عنوان اندرز اخلاقی و مبانی عمومی به نظامی عملی برای حکومت، این تجربه بشری را پربارتر کند. کلیدواژه‌ها: شاطبی، فقه سیاسی، مصلحت، مقاصد شریعت، حکومت.

۱. دانشجوی دکتری مسائل ایران، دانشگاه آزاد بافت، کرمان، ایران.

۲. نویسنده مسئول: استادیار، گروه تاریخ انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران.

استناد: عاقلی نژاد، حسین و چیت فروش، سجاد (۱۴۰۳). واکاوی فقه سیاسی مقاصد در منظومه فکری شاطبی، **دولت پژوهی**

ایران معاصر، ۲(۹)، ۱۱۳-۱۳۲.

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.27831914.1403.10.2.5.4>

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع) نویسنده‌گان



این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مسئله

اصل حکومت در اسلام یک ضرورت عقلی است و درباره این موضوع هیچ یک از فرقه‌ها و یا دانشمندان مسلمان به جز خوارج تردیدی به خود راه نداده‌اند. با این حال علی‌رغم اجماع مسلمانان بر ضرورت حکومت، مبحث مشروعیت حکومت و منابع آن در میان مسلمین از چنین اجماع و اتفاق‌نظری برخوردار نیست. قابل ذکر است که در مبحث منشأ ذاتی مشروعیت میان تمام گروه‌های مسلمان، در این باره که خداوند متعال مافوق بشر است و بالاصاله بر جهان هستی و از جمله انسان‌ها حاکمیت مطلق دارد، نظر واحدی وجود دارد؛ اما از آنجا که خداوند مستقیماً بر انسان‌ها حکومت نمی‌کند؛ لذا به‌عنوان یگانه ذات مشروعیت‌بخش حتماً مرتبه‌ای از ولایت خود را از طریق پیامبرانش به انسان‌ها تفویض کرده است.

اهل سنت معتقدند که پس از پیامبر (ص) امر حکومت کلاً به اختیار و انتخاب امت سپرده شده است و منابع گوناگونی را از جمله اجماع اهل حل و عقد و بیعت، زور و غلبه، ولایتعهدی و نصب امام قبلی را برای مشروعیت حکومت در نظر گرفته‌اند. (حاتمی، ۱۳۸۴: ۵) مکتب مقاصد، مکتبی فقهی است که سعی می‌کند توضیح دهد هدف جامعه دینی، تحقق مقاصد اصلی شریعت است. از دیدگاه مقاصد‌گرایان، مقاصد احکام فقه شامل ۵ مورد است: حفظ مال، جان، عقل، دین و نسل و هدف فقه را حفظ این ۵ اصل می‌دانند. مقاصد‌گرایان معتقدند اگر احکام، در مقابل مقاصد قرار گرفت، حاکمیت دینی می‌تواند احکام را به اعتبار آن مقاصد تعلیق کند. کارکرد دوم فقه مقاصد نیز آن است که جعل حکم را به اعتبار مقصد در اختیار فقیه می‌گذارد؛ در این حالت اگر فقیه رفت و حکم را نیافت؛ اما تشخیص داد که یکی از ۵ هدف ذکر شده است، می‌تواند حکم را صادر کند. در نبود حکومت دینی فقهای مقاصد‌گرا قائل به چنین حق و رسالتی (وضع حکم یا تعلیق حکم) برای فقها هستند.

ابراهیم بن موسی بن محمد لخمی غرناطی مشهور به شاطبی، از فقیهان بزرگ مالکی بود که در غرناطه (گرانادا) حدود دهه سوم قرن هشتم به دنیا آمد. آن چه را فقیهان و اصولیان به‌صورت پراکنده و مختصر گفته بودند، او یک جا فراهم آورد و آن را زمینه اجتهاد قرارداد؛ البته نه اجتهادی بر اساس معیارهای رایج و حتی تن دادن به حیل‌های شرعی که اجتهادی بر اساس اهداف

شرع و مقاصد آن. (الریسونی، ۱۴۱۲: ۳۴) شاطبی به کهنه قواعد اسلام و چرایی آن‌ها توجه نمود و از این نظر، به نظریه مقاصد شریعت روح بخشید. شاطبی معتقد است که دین اسلام در پی تأمین مصالح آتی و آتی بشر است و این هدف از طریق وضع احکام و قوانین تأمین می‌شود؛ بنابراین هر یک از احکام بر اساس مصلحتی وضع شده و در پی تأمین هدفی است. شاطبی توانست فقهی مقصد نگر و غایت‌گرا بنیان نهد؛ فقهی که هرگز از پاسخ‌گویی به نیازهای متحول مردمان در نمی‌ماند و همانا این، مبنا و جوهره مقاصد الشریعه بود. (الریسونی، ۱۴۱۲: ۱۲-۱۰)

در این پژوهش به دنبال آنیم تا به این سوال پاسخ بدهیم که رویکرد شاطبی که خود از جمله مقاصد‌گرایان سیاسی شهیر است نسبت به مسائل سیاسی و جایگاه حکومت در فقه مقاصد چه می‌باشد؟

مبانی نظری پژوهش

در بعضی مواقع، تفاوت در تعریف مفاهیم منجر به تفاوت در درک آن مفهوم می‌شود در نتیجه توضیح مفاهیم اصلی پژوهش امری ضروری است و در ارتقای علمی پژوهش نقش بسزایی دارد. در ادامه به برخی مفاهیم محوری نوشتار حاضر اشاره خواهیم کرد:

- فقه مقاصد

بحث از مقاصد، نام شاطبی را به ذهن تداعی می‌کند، لیکن شاید این تعبیر را اولین بار محمد بن علی (حکیم) ترمذی به کاربرد. وی کتابی نوشت و نام آن را «الصلاة و مقاصدها» قرار داد. البته معنای موردنظر ترمذی از مقاصد، حکمت و علت خصوص نماز است نه همه مقررات و احکام اسلام، اما به هر حال این معنا با معنای موردبحث ارتباط وثیق داشته و از هم جدا نیستند. از قرن پنجم به بعد بار دیگر این مسئله را جوینی (۴۷۴ ه.ق) در کتاب «البرهان فی اصول الفقه» مطرح کرد. پس از جوینی، ابو حامد غزالی (۵۰۵ ه.ق) شاگرد وی، ادامه بحث استادش را پیگیری کرد. وی از آرا و اندیشه‌های جوینی استفاده نمود، باین حال به‌طور کلی نه در علم اصول و به‌ویژه، نه در مقاصد شریعت به دستاوردهای استادش بسنده نکرد، بلکه آن‌ها را تنقیح کرد و دگرگون ساخت و بر آن مطالبی را افزود. او در کتاب «المستصفی فی علم اصول» به این مسئله پرداخته است. پس از غزالی، فخرالدین رازی (۶۰۶ ه.ق) و سیف‌الدین آمدی (۶۳۱ ه.ق) هر یک، گفته‌های او را تکرار

کردند. (جغیم، ۱۴۲۲: ۳۸) فخر رازی در کتابش «المحصول» هر آن چه را که جوینی و غزالی گفته بودند، گردآوری کرد. ۱

پس از سه قرن تلاش علمی، شاطبی (۷۵۰ ه.ق) نخستین کسی است که به طرح تفصیلی مقاصد در کتاب «الموافقات فی اصول الشریعه» پرداخت و یک جلد از آن را با عنوان «کتاب المقاصد» به این موضوع اختصاص داد. وی پس از گردآوری سخن گذشتگان، به دو مسئله جدید در حوزه مقاصد پرداخت. یکی دسته‌بندی مقاصد و دیگری راه‌های دستیابی به مقاصد فقه. به حق می‌توان گفت که کتاب شاطبی نقطه عطفی در پژوهش‌های پیرامون مقاصد است.

پس از این دوره نوبت به ابن عاشور (۱۲۹۶ ه.ق) می‌رسد. او در تألیف کتاب مقاصد الشریعه الاسلامی فراخوانی گسترده به تأسیس علم مقاصد داشت. ایشان به طرح تلاش روشمند مستقل از دیگر تلاش‌های اصولی که قبلاً شاطبی انجام داده بود، پرداخت.

در دوره معاصر، عالمان اهل سنت به تغییر مکتب شاطبی و ابن عاشور پرداخته‌اند و آثاری به رشته تحریر درآورده‌اند. چنان که برخی آثار مستقلی در موضوع مقاصد تألیف کرده‌اند. از مهم‌ترین این آثار می‌توان چنین یاد کرد: المقاصد العامه للشریعه الاسلامیه نوشته یوسف حامد العالم، مقاصد الشریعه الاسلامیه و مکارم‌ها متعلق به علّال فاسی، نظریه المقاصد عند الامام الشاطبی اثر احمد ریسونی و نظریه المقاصد عند الامام الطاهر ابن عاشور که توسط اسماعیل حسنی به رشته تحریر درآمده است.

– مقاصد شریعت در اندیشه‌های اسلامی

مقصود از مقاصد الشریعه، اهداف خداوند از تشریح احکام اعتباری و عملی در دین اسلام است. تعبیر مقاصد الشریعه اصطلاحی است که در میان اهل سنت رایج است؛ آنان به دلیل این که مقاصد و اهداف شارع را در غالب منابع مورد قبول خود به‌عنوان منبع حکم شرعی قرار می‌دهند و نیز از آن در بحث قیاس استفاده می‌کنند، این اصطلاح را به کار برده‌اند. (شیخ صدوق، ۱۳۹۹: ۴۲۷)

بزرگ‌ترین ویژگی جهان اهل سنت، در روزگار معاصر، بازگشت به عصر اجتهاد و زمزمه فتح این باب است. اگر زمانی مهم‌ترین حُسنِ تفکر اهل سنت، پابندی به اجتهادات ائمه اربعه و بی‌نیازی از

۱. ر.ک: جغیم، نعمان، طرق الکشف عن مقاصد الشارع، اردن، دارالنفائس، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق، ص ۳۸.

اجتهاد به شمار می‌رفت، اینک این نگرش رخت بر بسته است و زمینه بازنگری در اندیشه چند سده گذشته را فراهم ساخته است. امروزه یکی از جدی‌ترین مشکلات فکری اهل سنت، حاکمیت ائمه بر همه ارکان فقهی و بی‌توجهی به زمان و مکان در اجتهاد است. متفکران به جد در پی برانداختن حاکمیت فکری آنان بر میراث فقهی خود و کوشش برای احیای فقهی سیال و زنده هستند؛ فقهی که موتور محرک آن - به تعبیر مرحوم اقبال لاهوری - اجتهاد باشد. شیخ بزرگ الازهر محمود شلتوت، متفکر بزرگ الجزایری مالک بن نبی و نظریه پرداز سودانی دکتر حسن ترابی در همین راه گام برداشته‌اند و برخی از دشواری‌ها را از میان برده‌اند.

ابواسحاق شاطبی هر چند اولین کسی نبود که به سیره مقاصد اشاره کرد؛ اما برای نخستین بار در استخراج قواعد فقهی از این شیوه تمسک جست و نام خود را به‌عنوان سردمدار مقاصد شریعت ثبت نمود. پس از شاطبی از آن جا که در اندیشه اسلامی، نیروی محرکی نبود تا تلاش پویای شاطبی را دنبال کند و آن را تکامل دهد، تجربه موافقات او نادیده گرفته شد و قرن‌ها به انتظار نشست تا زمانی که شیخ محمد عبده در سال ۱۳۰۲ ه.ق با چاپ نخست این کتاب در تونس مواجه شد. او در ترویج اثر شاطبی بسیار تلاش کرد. (نجار، ۱۹۹۲: ۱۲۴)

- تقسیم‌بندی مقاصد شارع

در بحث مقاصد، سه حوزه وجود دارد که باید محدوده هر یک از این حوزه‌ها را مشخص کرد؛ زیرا گاهی مقاصد دین بررسی می‌شود و گاه در دایره‌ای کوچک از مقاصد، فقه بحث می‌شود و گاهی نیز مقصد و غایت یک یا چند حکم مورد نظر است؛ بنابراین می‌توان از این سه حوزه با سه واژه متفاوت یاد کرد: اهداف دین، مقاصد شریعت و ملاک‌های احکام. در حوزه اول، اهداف و پرسش‌های اصلی در مورد دین، مورد بررسی قرار می‌گیرد، بنابراین جایگاه آن فلسفه دین است نه فلسفه فقه. پس از چارچوب فقه و شریعت خارج می‌شود. گرچه پاسخ به پرسش‌های مربوط به فلسفه دین در فلسفه فقه نیز مؤثر است. در حوزه دوم مقاصد شریعت یا اهداف فقه مورد بررسی قرار می‌گیرد که در آن غایات بخشی از دین، یعنی فقه، مورد نظر است و جایگاه آن فلسفه فقه است. حوزه سوم مربوط به ملاک، یا علت حکم است. در این جا از اهداف دین و مقاصد شریعت، گذر شده و از هدف حکم خاصی بحث می‌شود.

در بحث مقاصد شریعت این پرسش‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد: (۱) چه رابطه‌ای بین احکام شرعی و مصالح و مفاسد موجود در متعلق احکام است؟ (۲) آیا امکان فهم مصالح و مفاسد مورد نظر شارع توسط عقل وجود دارد؟ (۳) مقاصد شریعت چه تأثیری در استنباط و اجرای احکام شرعی دارد؟ پاسخ به این پرسش‌ها بحث مقاصد را شکل می‌دهد. (اسلامی، ۱۳۸۹: ۸۹-۸۸)

نصوص، متون دینی و عقل سلیم، بر هدفمند بودن شریعت اسلام دلالت دارد، بدون هیچ تردیدی معتبرترین منبع برای تبیین مقاصد شریعت، قرآن، احادیث و عقل است؛ بنابراین باید در تفسیر مقاصد شریعت به این سه منبع رجوع کرد. همچنین در کشف و تفسیر مقاصد نباید از این نکته غافل شد که این مقاصد در راستای رسیدن به هدف خلقت است؛ زیرا پیگیری دو هدف متفاوت در تکوین و تشریح، با حکمت خداوند سازگار نیست و از آن جا که قرآن، حدیث و عقل، آشکارا معرفت خداوند و پرستش آگاهانه او را هدف خلقت تمام موجوداتی که برایشان پیامبر و کتاب آسمانی فرستاده شده، می‌دانند، طبیعتاً در تشریح نیز همین مدنظر بوده است.

- مصالح شریعت در اندیشه مسلمانان

تکیه بر بعد دینی و آخرتی مصلحت سبب شده اصولیان آن جا که به کشف دیدگاه شریعت درباره مصالح و مفاسد می‌پردازند، مصلحت را به گونه‌ای عام تعریف کنند. از این رو به تبیین معیارهای درست برای شاخصه‌های مصلحت در معاملات مدنی نپرداخته‌اند. البته شاطبی استثنا می‌شود؛ چون می‌توان با تتبع در سخنان او چنین تعریفی به دست آورد: مصلحت چیزی است که صلاح یا نفع عمومی یا خصوصی را در پی دارد و با نفوس انسانی در زندگی سازگار است. شاطبی معتقد است که چون شریعت اسلامی تعیین‌کننده روش زندگی دنیایی و شکل حکومت است، مصلحتی که برای تحققش به پا خواسته، قهراً دنیایی است که می‌خواهد نظام دنیایی را سامان دهد. شرع برای تحقق این مقصد عمومی دو رویکرد دارد: یکی اصلاح فرد در باور، اندیشه و رفتار و دیگری اصلاح جامعه که این هم خود از دوره صورت می‌پذیرد: از طریق اصلاح کارهای مردم در معاملات و دیگری اصلاح رفتار حاکمان با مردم. بر این اساس، مصلحت به رویکرد دوم ارتباط دارد؛ یعنی اصلاح مردم در روابطشان و اصلاح رفتار حاکمان به‌ویژه بخش نخستین آن.

باید تأکید شود که مقصود از مصالح شریعت از دید شاطبی، تنظیم نظام مناسبات مدنی است و دلیل این مطلب، روشن ساختن تعریف مصلحت از این جنبه است. در این گذر، مقصد دنیایی برای دنیاست در جهت جلب خوشی‌ها و دفع غم‌ها و دردها و لذت معارف و حالات معنوی و عبادات دینی مثل نماز و زکات از جمله این خوشی‌هاست؛ و مقصد آخرتی نیز برای آخرت است از قبیل خوشی‌های آخرت و دفع رنج‌ها و دردها؛ و خوشی‌های آن در نعمت‌های اهل بهشت متبلور است؛ چنان که دردهایش در عذاب دوزخ. داشتن بعد دینی آخرتی، نقش به‌سزایی در تعریف مصلحت داشته است. (رافعی، ۱۹۹۱: ۱۱۰)

پیشینه پژوهش

در باره مقاصد شریعت در حکومت اسلامی، دیدگاه‌های گوناگونی از سوی دانشوران اسلامی مطرح شده است. آشنایی با این آثار و دیدگاه‌ها برای هر محقق‌ی که به نحوی در خصوص جایگاه نظام حکومتی در اسلام، پژوهش می‌کند، ضرورتی انکارناپذیر است، از همین رو به مهم‌ترین آثار فقه سیاسی که به نظریه مقاصد شریعت در حکومت سیاسی مرتبط است اشاره می‌نماییم:

جدول ۱. پیشینه ی پژوهش

ردیف	نویسنده / نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	روش‌شناسی پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
۱	ابویوسف یعقوب بن ابراهیم (۱۳۹۹)	الخراج	اولین کتابی که بُعد حکومت اسلامی و ساختاری دارد.	به مقاصد دینی تشکیل حکومت اسلامی توجه کرده است.
۲	علی بن محمد بن مسعود الخزاعی (۱۴۱۹ ه. ق.)	تخریج الدلالات السمعیة علی ما کان فی عهد رسول‌الله (ص) من الحرف و الصنائع و العمالات الشرعیة	ساختار نظام اسلامی را که در کتاب‌های مختلف سیره و مغازی پراکنده بود به شکل منظمی	این کتاب، تکاپویی تازه را در نگرش‌های حکومتی دانشمندان اسلام

ردیف	نویسنده / نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	روش‌شناسی پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
			عرضه کرد.	پدید آورد.
۳	ابوعبدالله محمد بن عبدوس جهشیاری (۱۳۴۸)	الوزراء و الکتّاب	معرفی وزیران و کاتبان از زمان رسول خدا تا اوایل خلافت <u>مأمون عباسی</u>	پرده برداشتن از پاره‌ای مظاهر تمدن ایرانی، به‌ویژه سازمان اداری و جمع‌آوری خراج که خلفای عباسی، آن‌ها را از ایرانیان اقتباس کردند.
۴	ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب ماوردی بصری (۱۳۲۷ ه.ق)	الاحکام السلطانیة	از نخستین آثار در زمینه سیاست و اداره کشور در میان مسلمانان است.	ابواب اولیه کتاب مربوط به سیستم حکومتی است و ابواب بعدی صرفاً به مسائل اداری و مالی از دیدگاه فقه
۵	ابوالفرج قدامه بن جعفر (۱۹۸۱ م)	الخراج و صناعه الکتّابه	کتابی است درباره ی <u>خراج و مالیات</u>	هدف اصلی نویسنده، توصیف مملکت <u>اسلام</u>

این پژوهش بر خلاف سایر پژوهش‌ها که به ذکر مطالبی کلی در حوزه فقه مقاصد پرداخته‌اند، به دنبال آن است که با نگاهی جزئی به بررسی نظریات شاطبی به‌عنوان یکی از متفکران مقاصدگرا در باب مسائل سیاسی بپردازد و از این طریق در راستای بحث فقه سیاسی تولید محتوا داشته باشد. همچنین معمولاً پژوهش‌هایی که در بحث فقه المقاصد انجام گرفته است، جنبه نظری دارد و در

حوزه اجرایی کارکرد چندانی ندارند؛ پژوهش حاضر تلاش کرده است تا با نگاه به فقه مقاصد، الگویی قابل اجرا را در عرصه سیاست اسلامی ترسیم نماید.

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش با توجه به موضوع، سعی می‌شود تا با مطالعه کتب و مقالات فارسی مرتبط با موضوع و ملاحظه برخی از منابع خارجی اعم از کتاب، مقاله و وبگاه و تجزیه و تحلیل مطالب آنها به جمع‌بندی قابل قبولی دست یابیم و سپس با توجه به اطلاعات جمع‌آوری شده و مطالعات صورت گرفته، پس از طبقه‌بندی آنها، مرحله نگارش را انجام دهیم. آن چه در این جا مدنظر است، ترکیبی از هرمونیک متن، زمینه و مفسر می‌باشد. در نتیجه می‌توان گفت روش این تحقیق هرمونیک چندسویه است.

یافته‌های پژوهش

- مقاصد کلی شریعت در حوزه احکام غیرعبادی

انسان‌ها با به کارگرفتن خرد، راه‌هایی را برای رفع نیازهای طبیعی و روانی خود و رسیدن به زندگی مطلوب جستجو می‌کنند. شریعت اسلامی تلاش کرده است تا گرایش‌ها و رفتار او را در مسیر صحیح و سالم و منطبق با فطرت و خرد سالم هدایت کند. محصول این تلاش که از طریق اصلاح، تکمیل و یا امضای این تدابیر و گاه با نفی شیوه‌ها و روش‌های ناسالم و انحراف‌زا صورت می‌گیرد، بنیان‌گذاری اصول و احکام اقتصادی، اجتماعی و قضایی منطبق با فطرت و نیازهای اصیل انسانی است که در قالب شریعت در دسترس انسان‌ها قرار گرفته است. نظریه مقاصد تنها محدود به حوزه عبادی شرع نیست؛ بلکه بخش اعظم آن مربوط به حوزه احکام غیرعبادی می‌گردد و به بیان دیگر، بخش مهمی از مقاصد، در حوزه احکام غیرعبادی شریعت قابل شناسایی است. در یک نگاه کلی می‌توان مقاصد و اهداف حاکم بر حوزه احکام غیرعبادی را در چهار هدف زیر خلاصه نمود:

۱. تأمین نیازهای مادی و معنوی و ایجاد تعادل میان این دو نوع نیاز
۲. تعالی بخشیدن به اندیشه و روان انسان و حفظ شخصیت و کرامت والای او

۳. تأمین و حفظ حقوق همه ی انسان ها بر اساس عدل و ایجاد سازگاری میان حقوق فرد و اجتماع
 ۴. برقراری نظام قسط و حاکم ساختن روابط عادلانه بین انسان ها در همه ی عرصه های زندگی
 سیاسی و اجتماعی.

باید دقت نمود که این مقاصد، اختصاص به شریعت اسلام ندارد و در همه شرایع یافت می شود و هیچ عاقلی آن ها را رد نمی کند و هیچ آیینی محرّمات را بر اساس فلسفه بافی حلال نمی شمارد. شاطبی نیز پس از ذکر اقسام مقاصد، نتیجه می گیرد که: «محال است که آیینی و شریعتی که در پی اصلاح خلق است، از این مقاصد تهی باشد. شرایع در تحریم کفر، قتل، زنا، سرقت و نوشیدن مسکرات، اختلافی ندارند» (شاطبی، ۱۴۱۹: ج ۱ ص ۳۷)

– جایگاه مقاصد شریعت در منظومه فکری شاطبی

هیچ کس در نوگرایی هایی که شاطبی در طرح و بسط مقاصد شریعت مطرح کرد - در اصول فقه و به ویژه در اهداف شریعت - با وی اختلافی ندارد و کسی را نمی یابیم که آن ها را به دید قبول ننگرد و تحسین نکند، اما آن چه شک در آن سزاوار نیست، آن است که ممکن نیست شاطبی نظریه خویش را از ابتدا بدون کمک، همراهی و یاری دیگری ایجاد و ابداع کرده باشد، طبیعت امور این چنین نیست، بلکه به ناچار باید از پیشینیان خود استفاده ها کرده باشد و نظریه خود را بر آن چه آن ها بنیان گذاری کردند، بنا نهاده باشد. معنای این کلام آن است که شاطبی، هم از گذشتگان تبعیت کرده و هم چیزهای نویی را ابداع نموده است، هم از دیگران تقلید کرده و هم نوآوری داشته است، هم گرفته و هم اعطا کرده است. آن چه مطرح است، تفاوت افراد در میزان نوگرایی و ابداع و ارزش آن است.

اما جوینی - که قدیمی ترین آنان است - همان گونه که مشاهده کردیم، کسی بود که پیش از همه، اولین خشت نظریه «مقاصد» را نهاد. پس شاطبی - همچون دیگران - در این امر، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، به او مدیون است.

برای مثال شاطبی می گوید: «احکام بر حسب کلیت و جزئیت با هم متفاوت هستند. گاه فعلی به صورت جزئی و موردی، مباح است، ولی به صورت کلی، واجب یا مستحب است...» (شاطبی، ۱۴۱۷: ۱۷۰) شاطبی این توجهی زودگذر جوینی را تعمیق بخشیده و در بسیاری از زوایای تشریح

اسلامی، آن را پیگیری نموده و آن گونه که عادت اوست، در قالب قواعدی روشن و قانونمند تنظیم نموده است. (الریسونی، ۱۴۱۲: ۲۰۱)

شاطبی مانند برخی از مقاصد گرایان راه افراط را نپیموده و تأکید می‌کند که اعتقاد به این که همه انواع احکام شرع، مبتنی بر مصالح مرسله باشند، اعتقادی است در نهایت بی‌دقتی و بی‌مبالانی؛ چرا که همه انواع احکام شرعی مبتنی است بر ادله شرعی معروف، از قبیل کتاب، سنت، اجماع و...، مصالح مرسله تنها یکی از ادله متعدد و مختلفی است که احکام شرع بر آن‌ها مبتنی می‌گردد و کسانی که مصالح مرسله را به‌عنوان دلیل پذیرفته‌اند، همان گونه که روشن است، تنها یک نوع از احکام شرعی اجتهادی را مبتنی بر آن می‌دانند. وی می‌گوید: «نمی‌دانم معنای «شاخص بودن قانون‌گذاری اسلامی به‌خاطر این اصل» چیست! این کلامی غریب است و اگر کسی مخالف این را بگوید، بی‌راه نگفته است.» (شاطبی، ۱۴۱۷: ۱۷۴)

حقیقت این است که مقاصد در دیدگاه فقهی - و در مهم‌ترین کتاب‌های او و نزدیک‌ترین آن‌ها به این موضوع (که همان قواعد الفقه است) - از آن چه که در تمامی کتب اصولی یا در بعضی کتب فقهی یافت می‌شود فراتر نمی‌رود و یا اصولاً بدان پایه نمی‌رسد و شاطبی نیز در گسترش مقاصد در باب حکومت از همین نقاط ضعف بهره برده و آن‌ها را اعتلا بخشیده است. (الریسونی، ۱۴۱۲: ۳۱۵)

- تحولات مقاصد شریعت در نظریه شاطبی

نوگرایی شاطبی در اصول فقه و اهداف شریعت امری است که کسی در آن اظهار مخالفتی نکرده است و هیچ کس را نمی‌یابیم که بدان شهادت ندهد یا اشاره‌ای نکند. شاطبی خود اولین کسی است که به موارد نوگرایی و ابداع خود در مقاصد شریعت در کتاب الموافقات توجه دارد و بدان توجه می‌دهد. وی می‌گوید: «آن گاه که رازهایی پنهان آشکار شد و خداوند بدان چه اراده کرده بود هدایت فرمود و توفیق عنایت کرد...». (شاطبی، ۱۴۱۷: ۳) وی از آن هراس داشت که نوگرایی‌های او با انکار و بی‌میلی روبه‌رو شود، به همین جهت خواننده خود را مورد خطاب قرار می‌دهد و با این کلام به او اطمینان می‌دهد که: «اگر در مورد این کتاب، انکار بر تو عارض شد و توجهی به نوگرایی و ابتکار و اختراع در آن نمودی و چنین گمان کردی که تاکنون چیزی مانند

آن نشینده‌ای و در علوم شرعی اصلی، بدین منوال چیزی تألیف نشده و کاری به این شکل صورت نگرفته است، به این اشکال، بدون این که جستجو و تفحص کنی توجه نکن و این گمان را بی‌جهت صحیح و مفید مشمار؛ چرا که این گفته‌ها - بحمدالله - همان است که آیات و اخبار نیز آن را مقرر داشته است و...» (شاطبی، ۱۴۱۷: ۲۵)

ترس شاطبی از بدفهمی نظریاتش - به سبب جمود، رکود، تکرار و طول و تفصیل‌های بی‌مورد که در کتب و تألیفات اهل علم به چشم می‌خورد - تا بدان حد رسیده که به‌ناچار بعضی از آن چه را که مورد تحقیق قرار داده بود و می‌خواست بیان کند، رها نمود و به رمز و اشاره اکتفا کرده است و این نکته را در کلام پایانی کتاب موافقات ذکر می‌کند. (شاطبی، ۱۴۱۷: ۳۲)

در مجموع می‌توان نظریه شاطبی در باب مقاصد شریعت را در اصول زیر خلاصه کرد:

۱- تفکیک میان دو حوزه ی عبادات و عادات اولین اصل در نظریه ی شاطبی است. از دیدگاه شاطبی در خارج از حوزه ی عبادات (که به حوزه ی عادات نیز نامیده شده) راه کنکاش در مصالح و مقاصد و معانی احکام بر روی عقل و اندیشه ی انسان باز است. وی می‌گوید با آن که در عادات هم ممکن است مصلحت (واقعی) حکم بر عقل ما نامعلوم باشد ولی همان مقداری که عقل به آن دسترسی می‌یابد کفایت تا از آن در کار استنباط احکام سود بریم و آن را ملاک و مناط برای اجتهاد خود قرار دهیم. شاطبی در همین راستا پویایی عقل را جهت تعدیل حکومت مورد تأکید قرار می‌دهد که الحق سوگیری جسورانه ای نسبت به زمامداری سیاسی زمان وی بود.

۲- شاطبی در ارتباط با نقش عقل در استنباط احکام شرعی رویه‌ای معتدل در پیش گرفته است. وی با آن که توانایی عقل را برای تشخیص کلیات آن مصالح باور دارد، در عین حال راهنمایی شرع را برای تشخیص مصالح و مفاسد امور لازم دانسته و معتقد است که عقل به هدایت شرع و به کمک اصولی که شریعت تبیین نموده برای شناخت تفصیلی مصالح دنیوی نیازمند است، زیرا در غیر این صورت به فرستادن پیامبران نیازی نبوده است.

۳- در حوزه ی عبادات، شاطبی هدف و مقصد عمومی شریعت را تقویت انقیاد انسان در برابر خداوند و تعظیم و بزرگداشت مقام الوهی می‌داند و تمام احکام عبادی را در راستای تحقق همین هدف و مقصد متعالی تفسیر می‌کند. وی معتقد است برای عبادات، مصالح و علل جزئی به جز

مصلحت انقیاد و تعظیم، نمی‌توانیم مصلحت و مناط دیگری بدست آوریم. وی می‌گوید در این حوزه بدون هیچ‌گونه کنکاشی، باید به اصل تبعّد و رعایت ظواهر پایبند باشیم.

۴- در بخش عادات (حوزه ی غیر عبادی) شاطبی حفظ مسیر حرکت انسان در خط متعادل و جلوگیری از انحراف به یکی از دو سوی افراط و تفریط را از مهم‌ترین مقاصد شریعت می‌داند. به نظر او شریعت با تشریعاتش راه اعتدال را به ما نشان می‌دهد. سیاست را نیز می‌توان از بخش عادات دانست که شاطبی به شرایط حاکم به عنوان فایده‌ی ابتدایی مقاصد و کارکرد آن اشاره می‌کند.

۵- شاطبی با آن که در عبادات به تبعیت از نص باور دارد و راه را برای دخالت استحسانات عقلی باز نمی‌کند ولی در عین حال با پذیرش مقاصد کلی و کلان برای عبادات، معتقد است که اتکاء به ظواهر و نص‌گرایی افراطی ما را به نادیده گرفتن و غفلت از اهداف کلان عبادات می‌کشاند. وی می‌گوید احکام فرعی و جزئی شریعت هیچ‌گاه نباید اصول و مقاصد اصلی را نقض کنند و به همین دلیل اگر عمل ما با ظاهر شریعت موافق باشد ولی در همان حال با مصلحت اثبات شده‌ی حکم در تضاد باشد عمل ما نامشروع خواهد بود. زیرا مقصد و مقصود شارع از تشریح، تأمین و تحقق مصالح‌اند و نه صرف اجرای ظواهر؛ از این رو به عنوان مثال، نماز جز برای تقرّب و زکات جز برای مصلحت مساکن صحیح و پذیرفته نیست.

۶- در بحث تعارض نص با مقاصد شریعت نیز شاطبی راهی متعادل را پیموده است و بر این باور است که عالمان راسخ، آنان که صاحبان گام‌های استوار در دین‌اند جانب یکی از نص و یا معنی را بر دیگری ترجیح نمی‌دهند و همیشه مراقبند تا نص و معنی در کار یکدیگر اختلال ایجاد نکنند. (الریسونی، ۱۴۱۲: ۹۷-۸۹)

– بسط نظر به مقاصد شاطبی به حوزه سیاسی؛ مصلحت سیاسی

شاطبی در کتاب الموافقات فی اصول الشریعه ضمن بحثی مفصل در این زمینه در مقدمه کتاب المقاصد چنین می‌نویسد: «شراعی برای تضمین مصالح آنی و آتی بندگان وضع شده است و برخلاف رازی که احکام و افعال الهی را تعلیل ناپذیر می‌داند، استقرای شریعت ما را به نتیجه‌ای خلاف نظر او می‌رساند و آن تعلیل‌پذیری احکام خدا است. تکالیف شریعت یکسره برای حفظ

مصالح بندگان است و این مصالح یا ضروری هستند یا موردنیاز عمومی و یا از کمالیات به شمار می‌روند». (الریسونی، ۱۴۱۲: ۲۰۳-۱۹۹) شاطبی معتقد است وضع قوانین، تنها برای حفظ مصالح مردم هم در دنیا و هم در آخرت است. (شاطبی، ۱۴۱۷: ۲۰)

آن چه ما از قوانین ملت‌های قدیم و جدید می‌شناسیم، اساساً بر مصالح مرسله استوارند؛ چرا که تمامی مصالح آنان مرسله است، بلکه مرسله بودن مصالح آنان بیش از مصالح مرسله است. پس، آن چه شریعت اسلامی ما را از دیگر شرایع جدا می‌کند، اصول دیگری غیر از این اصل مصالح است، به‌ویژه اصول منصوص. در نتیجه قانون‌گذاری اسلامی توسط اصل مصالح مرسله شاخص نمی‌شود، بلکه اساساً به‌وسیله تزییق دایره مصالح مرسله، مشخص و ممیز می‌گردد. این از تمیيزات قانون‌گذاری اسلامی است که حلاً معینی برای کاربرد مصالح مرسله تعیین کرده است.

شاطبی در ادامه بیان می‌دارد: «مصالح یا مقاصد ضروری که از طریق استقرار شریعت به‌دست آمده است، پنج مورد است: حفظ دین، حفظ نفس، حفظ نسل، حفظ مال و حفظ عقل. این مصالح ضروری پنج‌گانه، سنگ‌پایه دیگر مصالح به شمار می‌روند و مصالح حاجتی یا کمالی، مکمل و در خدمت آن‌ها است و هرگاه رعایت این مکمل‌ها به فداشدن اصل مصلحت منجر شود، باید آن‌ها را نادیده گرفت.» وی در مسئله هفتم از نوع اول می‌گوید: «اگر ثابت شود مقصود شارع از وضع و تشریح قوانین، تأمین مصالح دنیوی و اخروی مردم بوده است و این امر به نحوی بوده که موجب اخلال نظامی نشود، نه به‌صورت کلی و نه به‌صورت جزئی، و در این امر ضروریات یا حاجیات و یا تحسینات مساوی هستند. پس باید وضع قوانین ابدی و کلی و عام باشد و همه انواع تکلیف و مکلفین و تمامی حالات را در برگیرد. ما نیز احکام شریعت را چنین یافتیم و سپاس شایسته پروردگار است.» (شاطبی، ۱۴۱۷: ۱۷۸)

شاطبی با عبارت‌های قطعی و جزمی تأکید و تکرار می‌کند که تمامی احکام شریعت برای تأمین مصالح مردم وضع شده است. کلام وی در کتاب «الاحکام» نیز از همین نمونه است. وی می‌گوید: «از احکام شریعت دانسته می‌شود که برای تأمین مصالح مردم تشریح شده است؛ پس تمامی تکالیف یا برای دفع مفسده‌ای است یا برای جلب و تأمین مصلحتی و یا برای هر دو.» (شاطبی، ۱۴۱۷: ۱۹۹)

یکی از ویژگی‌های اساسی نظریه مقاصد از نظر شاطبی، امکان استفاده از مصلحت در باب سیاست و حکومت است. بدین ترتیب، تا جایی که مقاصد کلی سیاسی در شرع مبین اسلام اجازه می‌دهد، مانند عدالت، برای تحقق آن می‌توان از مصلحت عمومی استفاده نمود. بدین معنا، مفاهیمی چون اتکاء به آرای عمومی یا استقرار حاکمیت مردمی را می‌توان در قالب مصلحت سیاسی توجیه نمود. او مصلحت را به همه ابواب شریعت مرتبط ندانسته، بلکه به معاملات و آداب آن مختص می‌داند و در باب سیاست به آن اهتمام ویژه‌ای کرده است. برای نشان‌دادن این ویژگی باید حدود مصلحت مشخص شود.

مصلحت دو کاربرد دارد: یکی مرادف منفعت و ازاین‌رو یا مصدر است به معنای صلاح؛ مانند منفعت به معنای نفع و یا نام یکی از مصلحت‌ها است؛ چنان که منفعت نام یکی از منافع است. (الریسونی، ۱۴۱۲ق: ۹۷-۸۹) در کاربرد دوم بر کاری اطلاق می‌شود که در آن، مصلحت یعنی نفع، و این اطلاق مجاز مرسل است از باب اطلاق مسبب بر سبب و گفته می‌شود دادوستد مصلحت است؛ اما منفعت به معنای تحصیل یا ابقای لذت و خوشی است و منظور از تحصیل، جلب لذت و مراد از ابقاء، حفظ لذت و مراقبت از آن است. (شاطبی، ۱۴۰۰: ۱۳۲)

درک درست از حقیقت مصلحت از نظر شاطبی مستلزم آن است که در سیاق علمی‌اش در کتاب مقاصد الشریعه الإسلامیه قرار داده شود. در آن جا اشاره دارد که تعیین حدود مفهوم مصلحت و مفسده نیازمند آن است که مقصود از صلاح که اسلام برای تحقق آن آمده، دانسته شود که آیا شامل سلاح دنیا و آخرت است یا فقط شامل سلاح دنیایی است؟ (شاطبی، ۱۴۱۷: ۱۹۵)

آنچه سبب شده مقصد شارع در مصلحت را به سامان‌دهی نظام دنیایی در سطح تشکیل حکومت مختص کنیم، تعریف شاطبی از مصلحت سیاسی است؛ او می‌گوید: «به نظر می‌رسد مصلحت سیاسی را این‌گونه تعریف کنیم که مصلحت ویژگی کاری است که با آن صلاح و نفع عمومی به طور مدام یا غالب در سطح جامعه حاصل می‌گردد.» ازاین‌رو مصلحت سیاسی صفت کارهای مکلفان است که با آن صلاح عمومی به طور مدام یا غالب در سطح جامعه حاصل می‌گردد و این معنای مصلحت در معاملات سیاسی است؛ چون مصلحت در این حوزه، گاه دائم است و گاه غالب؛ چنان که گاه فراگیر است و گاه خاص.

طبعاً نظر مقاصدی شاطبی در تعریف مصلحت سیاسی که عبارت است از صلاح مترتب بر افعال و رفتار مکلف، ثمره‌هایش صرفاً دنیایی است و به صورت منافع عمومی و خصوصی جلوه خواهد شد. روشن است که در باب معاملات سیاسی در بیشتر موارد، تنها در قالب نصوص کلی و عمومی از سوی شریعت بیان شده است. از همین جا نتایج کاربردی معیارهای ارائه شده توسط شاطبی در شناخت مصالح و مفاسد حکومت در حوزه‌ای که نصّ شرعی وارد نشده، روشن می‌گردد. (الریسونی، ۱۴۱۲: ۱۵۳-۱۴۸)

اما پرسشی که در این جا رخ می‌نماید این است که آیا رفتاری که به صلاح می‌انجامد، به صورت قطع و یقین چنین است یا بر گمان استوار است؟ و این همان ایراد خلط مصلحت با مفسده می‌باشد و معنایش آن است که کاری واحد از جهتی دارای مصلحت سیاسی است و از جهت دیگر دارای مفسده. شاطبی چنین پاسخ گفته که در امر حکومت مصلحت و مفسده محض یافت نمی‌شود، او می‌گوید: «بدان که مصلحت خالص کمیاب است؛ چرا که خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها، ازدواج، مرکب و مسکن جز با رنج و مشقت حاصل نگردد. جستجو در شریعت نشان می‌دهد که در زمامداری، هر مصلحتی دارای مفسده است، گرچه اندک و دور باشد و هیچ مفسده‌ای نیست، جز آن که مصلحتی دارد گرچه اندک و دور و از این باب توجه به مقاصد شرع رهگشاست.» (شاطبی، ۱۴۱۷: ۲۰۱)

شاطبی این ایراد را در مسئله پنجم از نوع اول کتاب مقاصد کاویده و میان دو جهت فرق گذارده است: یکی جایگاه تحقق مصلحت در دنیا و دیگری حیثیتی که خطاب شارع بدان تعلق گرفته است. از جهت تحقق خارجی، از آن رو که مصلحت و مفسده محض یافت نمی‌شود، پژوهشگران، مصلحت و مفسده را بر پایه غالب فهم کرده‌اند. پس هرگاه جنبه غالب امر حکومتی، مصلحت باشد، عرفاً مصلحت نامیده می‌شود و اگر جهت مفسده غلبه یابد، در عرف مفسده شناخته می‌شود و بدین جهت کارهایی که دو چهره دارند، به جهت راجح نسبت داده می‌شوند. اگر مصلحت رجحان داشته باشد، مطلوب است و گفته می‌شود دارای مصلحت است و اگر مفسده غالب گردد، از آن دوری می‌شود و گفته می‌شود دارای مفسده است؛ آن گونه که در موارد مشابه گفته می‌شود.

نتیجه آن است که اختلاط مصلحت و مفسده در دنیا مورد پذیرش قرار گرفته، لیکن شاطبی از آن رو که بر مقاصد شریعت مسلط است، تحقیقش در مسئله، بی نظیر بود. از این رو اگر مصلحت و مفسده‌ای که خطاب شارع بدان تعلق نگرفته بر پایه غلبه فهم شود، نفع و زیان خالص در آن نیست. ولی آن چه خطاب شرع بدان تعلق گرفته، جز نفع و ضرر خالص چیزی نیست؛ زیرا وقتی به مصلحت، خطاب شرعی تعلق گرفته و قدری مفسده همراه دارد، مصلحت مقصود است و مفسده مورد نظر نیست. این دقت شاطبی، بعد دینی آخرتی را در مصالح جای داده است و همین انگیزه بزرگ اوست که مسئله مصالح سیاسی را به گونه‌ای عام‌گرا کرده و آن را مختص معاملات ندانسته است. می‌توان استنباط کرد که مصلحت و مفسده در حوزه سیاسی و حکومتی گاهی خالص است و گاهی مختلط. از این رو باید تحقیق گردد که چه معیاری برای مصلحت و مفسده اعتبار دارد. (الریسونی، ۱۴۱۲: ۱۵۳-۱۴۸)

شاطبی پس از بیان امور پنج‌گانه به همان نتیجه‌ای می‌رسد که در گذشته غزالی بر آن تأکید داشت: شریعت تماش جالب مصلحت خالص و دفع مفسده خالص است. لیکن این دو نفر در راه اثبات این نتیجه با هم اختلاف دارند. اگر شاطبی آن را از طریق قصد شارع به مصالح مطلوب و مفاسد منهی اثبات نمود، غزالی آن را از طریق ملاحظه نظام دنیایی که اقتضایش خلط مفسده با مصلحت است، اثبات می‌کند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

شاطبی ضمن تأکید بر ضرورت قدرت در اسلام، این بحث را مطرح می‌کند که قدرت سیاسی، جزئی از اسلام نیست، چرا که در اسلام دستور مستقیمی به ایجاد قدرت نیامده است. اما در عین حال نبود قدرت فائده سیاسی، مجموعه احکام و مقررات اسلام را تماماً یا تقریباً از میان می‌برد. تشکیل حکومت به این مفهوم حتی اگر جزئی از اسلام نباشد، دست کم وظیفه‌ای بنیادین برای برپایی اسلام خواهد بود و در این صورت نه در ضمن مقاصد شرع بلکه در ردیف ابزارهای شرع قرار خواهد گرفت.

شاطبی معتقد است فرآیند اجرایی کردن ارزش‌های سیاسی چون شورا، بیعت، اجماع، امر به معروف و نهی از منکر و دیگر آموزه‌هایی که در اسلام باهدف برپاداشتن عدالت و تحقق سعادت بشر آمده

امکان پذیر است، چرا که ابزارهای نظام دموکراسی درست همانند ابزارهای صنعتی به عنوان میراث تمدن بشری می تواند در فضاهای فرهنگی مختلف و در بسترهای فکری متفاوت کار کند. شاطبی بر خلاف بسیاری از اندیشمندان مسلمان معاصر که رویکردی کاملاً متضاد با مدرنیته و دستاوردهای غربی داشته اند، تأکید زیادی بر مصلحت گرایی در امر سیاست و حکومت کرده است. وی در بحث مبانی حکومت اسلامی معتقد است که مفهوم حکومت در مبانی اسلام و اندیشه سیاسی آن، مفهومی اصیل و ریشه دار است. بر این اساس، «متن دینی» به مثابه قانون و «شورا» به مثابه نظارت مردمی دو نهاد اصلی در تشکیل حکومت اسلامی به شمار می روند. شاطبی در تألیفات خود همواره سعی کرده است که اصالت مفاهیم سنتی اجماع، جماعت، بیعت، اولوالأمر، اهل حل و عقد، امر به معروف و نهی منکر را اثبات کند و از رابطه آن ها با شورا و از راهکارهای اعمال آن در جامعه سخن به میان آورده و این که چگونه عوامل فراوانی دست به دست هم داده تا به جای این مفاهیم، از رهگذر اجتهاد جمعی به نهادهای حکومتی بدل شود. در این میان نسبت به ساز و کارهای قانون گذاری، هر شیوه ممکن پذیرفته است و اسلام از پذیرش شیوه های نوینی که بتواند اراده ملت را در چارچوب مشروعیت کلی و عام متون دینی تجلی بخشد و استبداد را دور کند، ابایی ندارد. حکومت اسلامی هم یک ضرورت اجتماعی و هم یک حقیقت دینی است؛ وجود آن به ضرورت نص، و چگونگی اداره آن به شورا است و از همین روی این حکومت نص و شورا است.

فهرست منابع

Articles

- Al-Risoni, Ahmad (1412 AH). The Theory of Al-Maqasid by Imam Al-Shatabi, second edition, Riyadh: Al-Dar Al-Al-Katab al-Islami.
- Alam, Yusuf Hamed (1995). Al-Maqasid al-Gaa'a of Islamic law. Dar al-Hadith in Cairo, El Dar al-Sudaniyyah in Khartoum, Virginia, Al-Mahad Al-Alami for Islamic Thought.
- Al-Kabisi, Bashir (1403 AH). "Al-Shatabi and the Methodology in the Objectives of the Shari'ah", Risalla al-Studhi al-Ulia, Baghdad: Baghdad University.
- Hatami, Mohammad Reza (2004). "Examining and criticizing the foundations of the legitimacy of the government from the point of view of the Sunnis", Political Science Journal, 1st year, 1st issue, Tehran: Imam Sadiq University (AS.)
- Zuzu, Farideh (2001). "The Theory of Ijtihad by Imam Al-Shatabi", Al-Marifah Al-Islamiya Magazine, Sunnah 7, Issue 27, Malaysia.

Books

- Amadi, Abul Hasan bin Ali bin Ali (1424 AH). Al-Ahkam fi Usul Al-Ahkam, Beirut: Dar al-Fakr Lalprinta and Al-Nashr and Al-Tawzi'ah.
- Eslami, Reza (2014). Introduction to the science of jurisprudence, third edition, Qom: Publications of the management center of the seminary of Qom.
- Jaghim, Noman (1435 AH). Al-Kashf al-Maqadis al-Sharaa, 1st edition, Jordan: Dar al-Nafais for publishing and al-Tawzi'ah.
- Hosni, Ismail, The objectives of the Shariat from the eyes of Ibn Ashur, translated by Mehdi Mehrizi, Tehran, Sahifah Khard, 1386 AH.
- Shatabi, Ibrahim bin Musa (1417 AH). Al-Mawafafat, edited by Ibn Hassan Al-Salman, Arabia: Dar Ibn Affan.
- Shatabi, Ibrahim bin Musa (1400). Khazrat al-Etsam, edited by Kiyomarth Yousefi, first edition, Tehran: Ehsan Publishing House.
- Sheikh Sadouq (1399). The Causes of Laws, translated by Mohammad Ali Soltani, 7th edition, Qom: Armaghan Toubi.

- Risoni, Ahmed (1376). The goals of religion from Shatabi's point of view, translated by Seyyed Hassan Eslami and Mohammad Ali Abhari, Qom: Bostan Kitab.
- Alikhani, Ali Akbar and others, Political Thought of Muslim Thinkers, Volume 19, Tehran, Research Institute of Cultural and Social Studies, 1391 AH.
- Alidoost, Abolqasem, Jurisprudence and Expediency, Tehran, Islamic Culture and Thought Research Institute, 1388 AH.
- Omid Zanjani, Abbas Ali, Basics of Political Thought in Islam, Research Institute of Islamic Culture and Thought, Tehran, 1379 AH.
- Qaradawi, Yusuf (1379). Political Jurisprudence, translated by Abdul Aziz Salimi, first edition, Tehran: Ehsan Publishing House.

